

بررسی مقایسه قابلیت‌های روانشناسی کارآفرینی، بر اساس سابقه
فعالیت‌های کارآفرینی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی
(مطالعه موردی: دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران)

**Comparison psychological capabilities of
entrepreneurship, in based of entrepreneurship
experience among graduate students
(Case study: Agricultural students, Tehran University)**

مجتبی سوختانلو^۱ و محمد شوکتی آمانی^۲

دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران

دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران

خلاصه

بروز هر نوع فعالیت کارآفرینانه و خلاقانه، رابطه مستقیمی با ویژگی‌های روانشناسی افراد دارد. با توجه به آنکه در عمده تحقیقات کارآفرینی، قابلیت‌های عمده کارآفرینی (خلاقیت، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی و کنترل درونی) معرفی شده است. لذا در این راستا، مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین سابقه فعالیت‌های کارآفرینانه و بروز قابلیت‌های روانشناسی کارآفرینی در میان دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران، طراحی و اجرا گردید. کلیه دانشجویان کشاورزی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به تعداد ۱۰۱۱ نفر جمعیت مورد بررسی این پژوهش را تشکیل دادند. پژوهش از نوع کاربردی، روش پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به تعداد ۱۸۰ نفر تعیین گردید که با استفاده از روش طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب پاسخگویان انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که از میان قابلیت‌ها، تنها برای قابلیت روانشناسی خلاقیت میان دانشجویان دارای سابقه فعالیت نسبت به دانشجویان بدون سابقه کارآفرینی، رابطه معنی‌داری بدست نیامد.

واژه‌های کلیدی: رفتار اطلاع‌یابی، دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی، منابع انسانی، کتابخانه، اینترنت..

Abstract

The incidence of each type of entrepreneurial and innovative activity, there is a direct relationship with individual psychological characteristics. Finally, the majority of entrepreneurship researches, the main capabilities of entrepreneurship (creativity, risk taking, achievement motivation, independence and internal control) are presented. So, this study with purpose of analyzing relationship between entrepreneurship experience and incidence of psychological capabilities of entrepreneurship among agricultural students in university of Tehran. The statistical population was consisted of all students at level of post graduate and doctoral (1011 persons). The research was applied, its method was descriptive – survey. By using stratified proportional random sampling 180 persons (by Cochran formula) were selected for study. The findings indicated that, it is not significant different among of students with entrepreneurship experience and students without entrepreneurship experience, only in psychological capability of creativity.

Key Words: Agricultural students, psychological capabilities of entrepreneurship, entrepreneurship experience, Creativity.

مقدمه

یکی از چالش‌های عمده مبحث اشتغال، دانش‌آموختگان دانشگاهی بدون توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار و شغل مناسب است. نرخ رشد بیکاری طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۵ نزدیک به ۱/۵ برابر دوره طولانی ۱۳۷۵-۱۳۴۵ بوده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۱). در این بین نرخ رشد بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی با دو درصد بیشتر از دیگر رشته‌های دانشگاهی، ۲۲ درصد می‌باشد که همچنان در حال افزایش است (ماهنامه اطلاعات، ۱۳۸۵). در واقع نبود تعادل میان عرضه و تقاضای نیروی کار بخصوص در دانش‌آموختگان دانشگاهی را می‌توان زمینه‌ساز اصلی این مشکل دانست. در این بین نرخ رشد بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی، ۲۲ درصد می‌باشد که همچنان در حال افزایش است. این امر، آماده‌سازی دانش‌آموختگان دانشگاهی را به وسیله توسعه فرهنگ کارآفرینی در آنان ملزم می‌سازد. البته آماده‌سازی در مورد کارآفرینی نبایستی به بعد از دانش‌آموختگی موقوف شود، بلکه این امر بایستی در حین دوران تحصیل انجام شود و لذا لازم است روح کارآفرینی در دانشگاه‌ها پرورش داده شود.

کارآفرینی در کشور ما به طور عمده به مفهوم سنتی آن انجام می‌شده، به طوری که شخص، گروه یا سازمان، بر پایه سرمایه‌گذاری احساسی و نیاز جامعه و محیطش، فرصت‌های تجاری را خلق می‌کرده و در سایه آن محصولی به اسم خدمات، کالا و... را ارائه می‌داده است. اما واژه کارآفرینی معادل کلمه فرانسوی *Enterprendre* به معنای "متعهد شدن" می‌باشد که در سال ۱۸۴۸ توسط جان استوارت میل به کارآفرینی (*Entrepreneur*) در زبان انگلیسی ترجمه شده است (مقیمی، ۱۳۸۱). همچنین به معنای قبول مسئولیت، تعقیب فرصت‌ها، تأمین نیازها و خواسته‌ها از راه نوآوری و راه‌اندازی یک کسب و کار تجاری است.

مک‌کله‌لند (۱۹۶۱) در نتیجه‌گیری از چندین تحقیق خود و در یک اجماع کلی از یافته‌های خود، ویژگی‌ها و قابلیت‌های افراد کارآفرین را به طور عموم شامل انگیزه پیشرفت، خطرپذیری، کنترل درونی، خلاقیت و استقلال‌طلبی معرفی کرده است. در همین زمینه ریسال (۱۹۹۲) در پژوهش خود، خلاقیت و نوآوری را مؤثرترین ویژگی در فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان عنوان کرده است. همچنین پوستیگو (۲۰۰۲) با بررسی و

ارزیابی وضعیت موجود آموزش کارآفرینی دانشجویان آرژانتینی بیان کرد که از نظر دانشجویان مهم‌ترین دوره‌ها برای کارآفرینی، دوره‌های آموزش خلاقیت و نوآوری است.

هوارد (۲۰۰۴) نیز در پژوهشی تأثیر توسعه قابلیت‌های روانشناسی اثرگذار بر کارآفرینی (خلاقیت، خطرپذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و استقلال‌طلبی) را در میان دانشجویان ایالت فلوریدای آمریکا مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که رابطه مستقیمی بین این قابلیت‌ها و میزان توانایی کارآفرینی دانشجویان وجود دارد.

خدمتی توسل (۱۳۷۹) در بررسی زمینه‌های بروز کارآفرینی در میان دانش آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهرستان کرج، به این نتیجه دست یافت که در میان دانش آموزان کارآفرین نسبت به دیگر دانش آموزان، زمینه‌های انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی، خطرپذیری و میزان کنترل درونی، بالاتر از سطح میانگین بوده است.

برومند نسب (۱۳۸۱) در تحقیق خود به بررسی رابطه متغیرهای روانشناسی انگیزه پیشرفت، خطرپذیری، خلاقیت و عزت نفس با بروز فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه شهید چمران پرداخت. برابر یافته‌های او از میان متغیرهای روانشناسی یاد شده تنها دو متغیر انگیزه پیشرفت و خلاقیت با بروز فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان رابطه معناداری داشت.

یاراتی (۱۳۸۳) در بررسی برخی روحیات کارآفرینی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز و مقایسه آن با روحیات کارآفرینی مدیران صنایع، به این نتیجه دست یافت که با آنکه دانشجویان دارای میزان قابلیت خطرپذیری بالاتری نسبت به مدیران یاد شده بودند اما میزان انگیزه پیشرفت مدیران بالاتر از دانشجویان بود.

بدری و همکارانش (۱۳۸۵) نیز در بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، ۵ قابلیت اصلی کارآفرینی (استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، خطرپذیری و خلاقیت) را مورد تأکید قرار داده و آنان را به عنوان قابلیت‌های اصلی کارآفرینی معرفی کرده‌اند. همچنین در این تحقیق، بین دو گروه دانشجویان مراجعه کننده به مرکز کارآفرینی دانشگاه و استفاده کننده از دوره‌های آموزش کارآفرینی و دیگر دانشجویان دانشگاه اصفهان در زمینه قابلیت‌های کارآفرینی به مقایسه پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که هیچ تفاوت معناداری بین استقلال‌طلبی، خطرپذیری، کنترل درونی و انگیزه پیشرفت آنان تفاوت معناداری نشان نداد. اما در ارتباط با قابلیت خلاقیت،

تفاوت معناداری بین این دو گروه دیده شد. همچنین نقش آموزش های دانشگاهی در پرورش قابلیت های کارآفرینی دانشجویان چندان مؤثر نبوده است.

لذا در مجموع طی دو دهه آخر سده بیستم، غالب صاحب نظران کارآفرینی، پنج قابلیت اصلی و مهم افراد کارآفرین در بروز کارآفرینی را این گونه معرفی کرده اند: خلاقیت (McClelland & Winter, 1969; Druker, 1986; Rissal, 1992)، خطرپذیری (Perry, 1988; Gatewood, 1995; Heath & Tuersky, 1991)، کنترل درونی (Hood, 1993; Williams, 1987)، انگیزه پیشرفت (Miner et al, 1992 & Delmar, 1996; Johnson, 1990; Bellu & Sherman, 1995) و استقلال طلبی (Vesper, 1993; Brockhaus, 1982). در این بخش برای شناخت هر

چه بهتر قابلیت های فوق، به توضیح اجمالی هر کدام از آنها می پردازیم:

۱. استقلال طلبی: این ویژگی به عنوان نیرویی برانگیزاننده و تحریک کننده مورد تأکید واقع شده است، و میزان گرایش افراد را به خروج اتکا داشتن به دیگران و تکیه کردن بر توانایی های خود اشاره دارد. نیاز به استقلال با ویژگی داشتن مرکز کنترل درونی ارتباط نزدیکی دارد (دهقان پورفرشاه، ۱۳۸۱).

۲. کنترل درونی: کسانی که منبع کنترل درونی دارند بر رفتار خود تسلط دارند. در برابر پاداش ها و تنبیه های زندگی هرگز منفعل و ناتوان عمل نمی کنند (Gatewood, 1995). اعتماد به نفس نسبی و آرامش خاطر از پیامدهای داشتن کنترل درونی نیرومند در افراد می باشد.

۳. توفیق طلبی: نیاز به توفیق یک انگیزه مشخص بشری محسوب می شود که از دیگر نیازهای انسانی متمایز می باشد (طالبیان، ۱۳۸۱). کارآفرینان که با به کارگیری انگیزه و محرک درونی خود، دست به رقابت و چالش می زنند و از آن به گرمی استقبال می کنند به نوعی نیاز به توفیق یافتن و مطرح شدن را در خود احساس می کنند (دهقان پورفرشاه، ۱۳۸۱).

۴. خلاقیت: شامل به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک مفهوم جدید، فکر و دیدگاه متمایز می باشد (رضائیان، ۱۳۷۴).

۵. خطرپذیری: به معنای پذیرش مخاطره هایی می باشد که می تواند توسط کشمکش های شخصی و درونی مهار شده و تحت کنترل فرد درآیند (احمد پور داریانی، ۱۳۸۳). فرد خطر

پذیر، ضمن آگاهی نسبی از مخاطره های پیش روی خود، اقدام به عمل را مبنای کار خود قرار می دهد.

برابر تحقیقات یاد شده بدیهی است که بین بروز پیشینه کار فعالیت های کارآفرینانه با قابلیت های کارآفرینی افراد بایستی ارتباط معنی داری وجود داشته باشد، لذا هدف اصلی این تحقیق مقایسه قابلیت های روانشناسی کارآفرینی، بر پایه پیشینه کار فعالیت های کارآفرینی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشاورزی دانشگاه تهران بوده که هدف های اختصاصی این تحقیق بدین شرح می باشد:

۱. بررسی ویژگی های فردی و تحصیلی پاسخ گویان؛
۲. مقایسه قابلیت های کارآفرینی پاسخ گویان، بر پایه پیشینه کار شرکت در کلاس های کارآفرینی؛
۳. مقایسه قابلیت های کارآفرینی پاسخ گویان، بر پایه پیشینه کار فعالیت های کارآفرینانه.

روش شناسی تحقیق

در این بررسی همه دانشجویان کشاورزی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری به شمار ۱۰۱۱ نفر جمعیت مورد بررسی این پژوهش را تشکیل دادند. پژوهش از نوع کاربردی، و روش پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی بود. حجم نمونه بر پایه فرمول کوکران به شمار ۱۸۰ نفر (۱۰۵ نفر کارشناسی ارشد و ۷۵ نفر دکتری) تعیین شد که با استفاده از روش طبقه ای تصادفی با انتساب متناسب پاسخ گویان گزینش و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه ای مرکب از آزمون های استاندارد شده خطرپذیری هانس، خلاقیت تورنس، کنترل درونی راتر، انگیزه پیشرفت باهارگاوا و استقلال طلبی هیسریچ می باشد که طی آزمون اولیه، گویه های نهایی تدوین و ارایه شد (Bellu & Sherman, 1995; Galbraith, 2002 Heath & A. Tuersky, 1991 Howard, 1969; Johnson, 1990; McClelland & winter, 2004). در نهایت ۶۴ گویه (۱۴ گویه مربوط به خلاقیت، ۱۴ گویه مربوط به خطرپذیری، ۱۲ گویه مربوط به استقلال طلبی، ۱۲ گویه مربوط به کنترل درونی و ۱۲ گویه مربوط به انگیزه پیشرفت) دارای ترتیب ویژه و وزن های مساوی در یک مقیاس ۵ قسمتی لیکرت (از "هرگز انجام نداده ام" تا "همیشه انجام می دهم" در دامنه ۱ تا ۵) برای سنجش قابلیت ها عرضه شد. پس از نمره دهی

به هر یک از گویه‌ها و توزیع پرسشنامه‌های نهایی، با حاصل جمع پاسخ‌های داده شده به گویه‌ها، امتیاز قابلیت‌های کارآفرینی برای دانشجویان به دست آمد.

پیشینه کار فعالیت‌های کارآفرینانه نیز بر پایه پیشینه کار ثبت اختراع، طرح کارآفرینانه، تأسیس و یا عضویت در تعاونی‌ها

و یا شرکت‌های کارآفرینی، تأسیس و یا عضویت در شرکت‌های کوچک و زودبازده کارآفرین، پیشینه کار فعالیت‌های تولیدی و یا اقتصادی کارآفرینانه به دست آمده است. همچنین برای تعیین اعتبار پرسشنامه شماره ۳۰ پرسشنامه نهایی نیز در خارج از جامعه مورد بررسی و بین دانشجویان توزیع شد. پایایی پرسشنامه برای هر کدام از متغیرها توسط آلفای کرونباخ، بالاتر از ۰/۷ به دست آمد. روایی پرسشنامه با استفاده از روائی صوری و بر پایه نظر جمعی از استادان دانشگاه تهران که دارای مقالات تحقیقاتی در ارتباط با مباحث کارآفرینی بودند تأیید شد که بیانگر مناسب بودن ابزار پژوهش بود. برای تحلیل داده‌ها و دستیابی به هدف‌های تحقیق از روش‌های آماری توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی مربوط به توزیع فراوانی گویه‌های سنجنده ویژگی‌های پاسخگویان مانند فراوانی و درصد و میانگین مورد استفاده قرار گرفت. در بخش استنباطی نیز از آزمون مقایسه میانگین (t test) استفاده شد.

یافته‌ها، بحث و نتیجه گیری

توزیع فراوانی پاسخگویان در زمینه ویژگی‌های فردی و تحصیلی

بر پایه داده‌های تحقیق ۵۸/۳ درصد از پاسخگویان دانشجویان کارشناسی ارشد و ۴۱/۷ درصد آنان دانشجویان دکتری بودند، که از این میزان ۶۰/۶ درصد پاسخگویان پسر و ۳۹/۴ درصد را دانشجویان دختر تشکیل می‌دادند. رشته تحصیلی ۱۹/۴ درصد پاسخگویان مربوط به زراعت و اصلاح نباتات و کمترین آنان با ۵/۶ درصد به رشته اقتصاد کشاورزی اختصاص داشته است. بقیه به ترتیب به رشته‌های آبیاری، صنایع غذایی، باغبانی، ترویج، خاکشناسی، زراعت، گیاهپزشکی، علوم دامی و ماشین‌های کشاورزی اختصاص داشته‌اند. در میان پاسخگویان ۷۶/۷ درصد افراد پیشینه کار فعالیت‌های کارآفرینانه (ثبت اختراع، طرح کارآفرینانه، عضویت در تعاونی‌های کارآفرینانه، عضویت در بنگاه‌های کارآفرینی و زود

بازده، پیشینه کار فعالیت اقتصادی کارآفرینی) نداشته‌اند و ۲۳/۳ درصد افراد دست کم در یک مورد پیشینه کار فعالیت کارآفرینانه داشته‌اند. همچنین از میان پاسخگویان، تنها ۱۷/۲ درصد کمینه یک دوره در دوران دانشجویی پیشینه کار حضور در کلاس‌های کارآفرینی داشته‌اند و ۸۲/۴ هرگز در کلاس‌های کارآفرینی در طول دوران دانشجویی شرکت نداشته‌اند.

مقایسه قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان، بر پایه پیشینه کار شرکت در کلاس‌های کارآفرینی

با توجه به جدول ۱، در مقایسه قابلیت‌های کارآفرینی پاسخگویان بر پایه پیشینه کار شرکت در کلاس‌های کارآفرینی، در میان پاسخگویان هیچ تفاوت معنی‌داری دیده نشد. جدول ۱- مقایسه قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان بر پایه پیشینه کار شرکت در

کلاس‌های کارآفرینی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	آماره t	سطح معنی‌داری
با پیشینه کار شرکت	۲۰۳/۰۶	۱۴/۹۸	-۱/۳۷۵	۰/۹۵۹
بدون پیشینه کار شرکت	۲۰۷/۷۴	۱۶/۵۴		

مقایسه قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان، بر پایه پیشینه کار فعالیت‌های کارآفرینانه به منظور تعیین تفاوت بین قابلیت‌های کارآفرینی با توجه به پیشینه کار فعالیت‌های کارآفرینانه جامعه مورد بررسی، از آزمون مقایسه میانگین (t test) استفاده شد. برابر نتایج جدول شماره ۳، مقایسه قابلیت‌های کارآفرینی پاسخگویان بر پایه پیشینه کار فعالیت‌های کارآفرینانه (پیشینه کار ثبت اختراع، طرح کارآفرینانه، تأسیس و یا عضویت در تعاونی‌ها و یا شرکت‌های کارآفرینی، تأسیس و یا عضویت در شرکت‌های کوچک و زودبازده کارآفرین، پیشینه کار فعالیت‌های تولیدی و یا اقتصادی کارآفرینانه) نشان داد که قابلیت‌های روانشناسی اثرگذار انگیزه پیشرفت و کنترل درونی، در سطح معنی‌داری یک درصد و قابلیت‌های استقلال‌طلبی و خطرپذیری دانشجویان در سطح معنی‌داری پنج درصد

تفاوت معنی داری دیده شد. اما برای قابلیت خلاقیت و پیشینه کار فعالیت‌های کارآفرینانه تفاوت معنی داری دیده نشد.

جدول ۳- مقایسه قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان بر پایه پیشینه کار فعالیت‌های کارآفرینانه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	آماره t	سطح معنی داری
بدون پیشینه کار	۳۲/۰۷	۴/۸۸۴		
انگیزه				
کارآفرینی			۶/۹۸۳**	۰/۰۰۵
با پیشینه کار	۳۷/۷۶	۳/۶۴۸		
کارآفرینی				
بدون پیشینه کار	۳۲/۴۷	۴/۷۸۹		
کنترل				
کارآفرینی			۴/۳۲۶**	۰/۰۰۱
با پیشینه کار	۳۵/۸۸	۳/۱۴۱		
کارآفرینی				
بدون پیشینه کار	۳۰/۲۱	۴/۸۰۰		
خطرپذیری				
کارآفرینی			۶/۶۲۱*	۰/۰۳۹
با پیشینه کار	۳۵/۶۶	۴/۲۰۶		
کارآفرینی				
بدون پیشینه کار	۳۳/۴۵	۵/۲۵۰		
استقلال طلبی				
کارآفرینی			۰/۷۹۶*	۰/۰۱۲
با پیشینه کار	۳۴/۱۴	۳/۷۵۲		
کارآفرینی				
بدون پیشینه کار	۳۱/۱۱	۴/۳۸۴		
خلاقیت				
کارآفرینی			۵/۳۶۷	۰/۴۳۱
با پیشینه کار	۳۴/۹۰	۳/۸۹۴		

کارآفرینی

پیشنهادها

در مقایسه دانشجویان بر پایه پیشینه کار شرکت در کلاس‌های آموزش کارآفرینی، یافته‌ها بیانگر آن بود که برخلاف نتایج تحقیق بدری و همکاران (۱۳۸۵)، در میان دانشجویان در این زمینه هیچ تفاوت معنی‌داری دیده نشد. به نظر می‌رسد آموزش‌های دانشگاهی چندان در پرورش قابلیت‌های کارآفرینی در دانشجویان اثربخش نبوده است. لذا با توجه به اینکه ۸۲/۴ درصد دانشجویان در هیچ دوره کلاس آموزش کارآفرینی شرکت نکرده‌اند، به نظر می‌رسد به علت نداشتن همگنی فعالیت‌های مرکز آموزش کارآفرینی با برنامه‌ها و شرایط آموزش عالی، نبود زمینه اطلاع‌رسانی کافی و تناسب نداشتن محتوای آموزش کارآفرینی با سطح و نیاز آموزشی دانشجویان، میزان شرکت دانشجویان در دوره‌های آموزش کارآفرینی بسیار ضعیف و بی‌اثر جلوه نموده است. همچنین در این راستا آموزش‌های رسمی و دروس دانشگاهی، نتوانسته است در قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان اثر گذار باشد. به عبارتی جهتگیری دروس و برنامه‌های دانشگاهی، از هدف‌ها آینده‌نگری در پرورش افراد کارآفرین بسیار فاصله داشته است. دعوت از کارآفرینان در سمینارها، سخنرانی‌ها و حتی برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی به منظور الگوسازی کارآفرینان موفق، تقویت فرهنگ کار گروهی در دانشگاه‌ها به منظور ترویج و اشاعه کارآفرینی جمعی در میان دانشجویان و دانش‌آموختگان در راستای تقویت قابلیت‌های روانشناسی اثرگذار بر کارآفرینی توصیه می‌شود.

در ارتباط با مقایسه قابلیت‌های کارآفرینی پاسخگویان بر پایه پیشینه کار فعالیت‌های کارآفرینانه، یافته‌ها نشان داد که بین قابلیت‌های انگیزه پیشرفت و کنترل درونی، استقلال‌طلبی و خطرپذیری دانشجویان با پیشینه کار فعالیت کارآفرینانه و بدون پیشینه کار فعالیت کارآفرینانه تفاوت معنی‌داری دیده شد. اما همگام با نتایج تحقیقات مک‌کله‌لند (۱۹۶۱)، ریسال (۱۹۹۲)، پوستیگو (۲۰۰۲) و هوارد (۲۰۰۴)، بین قابلیت خلاقیت و پیشینه کار فعالیت کارآفرینانه دانشجویان تفاوت معنی‌داری دیده نشد. به نظر می‌رسد دست کم در حیطه آموزش‌های دانشگاهی، آموزش‌ها و فعالیت‌های درسی هرگز در راستای تقویت قابلیت خلاقیت در دانشجویان نبوده است. لذا احتمال دارد دیدگاه‌های سنتی تدریس و آموزش در دانشگاه که در راستای سبک سنتی سرمشق‌گیری برای فعالیت‌ها و تکالیف

می‌باشد، بر نداشتن رشد قابلیت خلاقیت دانشجویان اثربخش بوده است. همچنین با توجه به نداشتن جهتگیری برنامه‌ها و تکالیف دانشگاهی در بکارگیری و میدان‌دهی به بروز خلاقیت، زمینه پرورش آن روند رو به رشدی نداشته است. بنابراین تجدید نظر دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی برای تغییر روش‌ها و سبک‌های سنتی تدریس به شیوه‌های اکتشافی و حل مسئله، با عنوان یک راهکار دارای اهمیت می‌باشد. در این ارتباط، سوگیری دوره‌های کارآفرینی در دانشگاه بایستی بر مبنای تقویت قابلیت خلاقیت در دانشجویان قرار گیرد.

منابع

۱. احمدپور داریانی، م. و م عزیز (۱۳۸۳). کارآفرینی. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم. چاپ اول.
۲. بدری، احسان. لیاقتدار، جواد. عابدی، محمد رضا و ابراهیم جعفری (۱۳۸۵). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال دوازدهم، شماره ۲، ص ۱ تا ۱۰.
۳. برومندنسب، م. (۱۳۸۱). بررسی رابطه ساده چندگانه وضعیت اجتماعی- اقتصادی، انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، جایگاه مهار، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده علوم تربیتی.
۴. خدمتی توسل، ص. (۱۳۷۹). بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دبیرستان‌های پسرانه دولتی کار و دانش شهرستان کرج از نظر مدیران، دبیران و دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.
۵. دهقان پور فراشاه، ع. (۱۳۸۱). کارآفرینی و کارآفرینان، تعاریف و ویژگیها. فصلنامه صنایع، شماره ۳۳، ص ۳ تا ۹.
۶. رضائیان، ع. (۱۳۷۴). اصول مدیریت. تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
۷. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۸۱). «گزارش اقتصادی نظارت بر عملکرد سال دوم برنامه توسعه سوم سال ۱۳۸۲». جلد اول. حوزه‌های فرابخشی، چاپ اول، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۸. طالبیان، ا. ر. (۱۳۸۱). کارآفرینی اجتماعی. ماهنامه تدبیر. شماره ۱۲۸، ص ۱ تا ۱۰.
۹. ماهنامه اطلاعات. (۱۳۸۵). نرخ بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی. شماره ۲۳۶۲۵. ۲۳ اردیبهشت، ص ۱۹.
۱۰. مقیمی، س. م. (۱۳۸۱). کارآفرینی؛ موضوعی میان رشته‌ای و فراگیر. ماهنامه بازاریابی. شماره ۲۲، ص ۱۲ تا ۲۰.
۱۱. یارانی، ع. و (۱۳۸۳). بررسی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه شیراز.

12. Bellu, R. R. and Sherman, H. 1995. Predicting the success from task motivation and attribution style. A Longitude study. Entrepreneurship & Regional Development. Pp: 349-363.
13. Brockhaus, R. H. 1982. The Psychology of The entrepreneurs. In Kent, C. A. Sexton, D. I. Encyclopedia of Entrepreneurship. Englewood cliffs. NJ: Prentice- Hall.
14. Delmar, F. 1996. Entrepreneurial behavior and business performance. Economic performance. Economic research institute. Stockholm.
15. Druker, P. 1986. The Discipline of Innovation; Harvard Business Review. May-June. Pp: 67-72.
16. Galbraith, C. 2002. A note on gender differences in entrepreneurial risk-taking: A computerized business game simulation experiment. Submitted to the Administrative Science Quarterly.

17. Gatewood, E. J., Shavera, K. G. and Gartner, W. B. 1995. A Longitudinal Study of Cognitive Factors Influencing Startup Behaviors and Success at Venture Creation. *Journal of Business Venturing*. Vol. 10, pp: 371-391.
18. Heath, C. and Tuersky, A. 1991. Preference and Belief Ambiguity and Competence in Choice under uncertainty. *Journal of Risk and Uncertainty*. Vol. 4, pp: 5-28.
19. Hood, N. and Young, J. E. 1993. Entrepreneurship's Area's of Development: A Survey of Top Executives in Successful Firm, *Journal of Business Venturing*. Vol. 1, pp:115-135.
20. Howard, S. 2004. Developing Entrepreneurial Potential in Youth: The Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation. University of South Florida Repot. Pp: 3-17.
21. Johnson, B. R. 1990. Toward a Multi dimensional model of Entrepreneurship: The case of Achievement motivation and the entrepreneur. *Entrepreneurship Theory and practice*. Vol. 14, No. 3, pp: 39-54.
22. McClelland, D. 1961. *The Achieving Society*. Princeton: NJ. Van No strand. Pp: 112-138.
23. McClelland, D.C. and winter, D.G. 1969. *Motivating economic achievement*. The free press. New York.
24. Miner, J. B., Smith, N. R. and Bracker, J. S. 1992. Predicting Firm Survival from Knowledge of Entrepreneur Task Motivation in the Growth of Technologically Innovation Firms: Interpretations &Regional Development. Vol. 4, pp: 145-153.
25. Miner, J. B., Smith, N. R. and Bracker, J.S. 1994. Role of Entrepreneurial task motivation in the growth of technology innovation firm: Interpretations from follow-up data. *Journal of Applied Psychology*. Vol. 79, No. 4, pp: 627-630.
26. Perry, G., Meredith, G. and Cunningham, H. J. 1988. Relationship between Small International Business Management. April. Pp: 76-79.
27. Postigo, S. 2002. Entrepreneurship Education in Argentina: The Case of Sananders University. In *Proceedings of the Conference Entitled. The Internationalizing in Entrepreneurship Education and Training*. Malaysia.
28. Rissal, R. 1992. *A Study of the Characteristics of Entrepreneurs in Indonesia*. EDD Dissertation. George Washington University. U.S.A
29. Vesper, K. 1993. *Entrepreneurship Education*. Wellesley. MA: Center for Entrepreneurship's study. Pp: 128-144.
30. Williams, A. J. 1987. *The characteristics and performance of small business in Australia (1973 to 1985): A study of the characteristics of Australian small business ventures and their owner manager. And a longitudinal investigation of their economic performance*. University of Newcastle monograph.